

روش تربیتی مقایسه‌ای در قرآن کریم

محمد اسماعیل زاده*

محمود ابوترابی**

سیدعلی حسینی زاده***

مهدی باکویی****

چکیده

روش تربیتی مقایسه‌ای از پرکاربردترین روش‌های تربیت در قرآن کریم است. در این روش مربی نخست به بیان تقابل دو موضوع متضاد و ذکر نتایج آن می‌پردازد و در مرحله بعد، به مقایسه دو طرف تقابل می‌پردازد و با مراجعه به دیگر آیات مشابه تبیین دقیقی از دو طرف موضوع ارائه کرده، زمینه سنجش و انتخاب آگاهانه و آزادانه را برای متریان فراهم می‌کند. این پژوهش با بررسی آیات تقابلی قرآن مانند توحید و شرک، فجور و تقوی، قلب سلیم و بیمار، حزب الله و حزب شیطان و مراجعه به تفاسیر معتبر، به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین یک روش تربیتی پرکاربرد در قرآن کریم و استخراج مبانی و کارکردهای آن صورت گرفته است.

دستاورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که روش مقایسه‌ای در قرآن بسیار به کار رفته و مبانی آن عبارتند از: «وجود تضاد در مجموعه جهان هستی»، «خدا تنها حقیقت بدون ضد»، «تضاد عقل و جهل در انسان» و «انتخابگری انسان از میان اضداد». این روش برای مربیان کارکردهای ارزشمندی مانند ایجاد راهی نو در آموزش عقاید، پاسخ‌گویی به برخی شبهات و سؤالات دینی، تبیین و توضیح پیامدهای رفتار، و نتایج مهمی نیز برای متریان، مانند پرورش و تقویت اراده، قدرت‌گزینش و انتخاب، پرورش نیروی تفکر و قدرت استدلال، معرفت‌افزایی، ایجاد علاقه به فضایل و نفرت از رذایل دارد.

واژگان کلیدی: تربیت، روش‌های تربیتی، روش مقایسه‌ای، مبانی، کارکردها و نتایج.

مقدمه

قرآن کریم کتاب تربیت انسان به سوی هدف و مقصد متعالی آن یعنی قرب الی الله است. در این کتاب آسمانی از روش های تربیتی مختلفی برای هدایت مردم استفاده شده که «روش تربیتی مقایسه ای» یکی از این روش هاست. مزیت این روش نسبت به دیگر روش ها آن است که انسان در بسیاری از موارد، امور عالم هستی را از باب «تعرف الاشیاء باضدادها» چه در امور حسی مانند شب و روز و چه در امور غیرحسی مانند دروغگویی و راستگویی و... در مقایسه، بهتر می فهمد.

پیشینه پژوهش نشان می دهد که مقایسه، به عنوان یک روش تربیتی چندان مورد توجه پژوهشگران واقع نشده، گرچه در خلال بعضی کتب (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۵۱۴-۵۱۶) و مقالات (ر.ک: عباسی مقدم و صحفی، ۱۳۹۱، ص ۸۹-۱۲۳) به آن پرداخته شده است. در کتب تفسیری، مفسران، در ذیل چنین آیاتی به این روش اشارات مختصری داشته اند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۳۶؛ قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۰۶).

در معرفی یک روش تربیتی لازم است تعریف و تبیین دقیقی از روش، مبانی، اهداف، اصول روشی (قواعد روشی)، شیوه ها و تکنیک های اجرایی، آثار، کارکرد و سرانجام آسیب شناسی روش ارائه شود. در این مقاله به تعریف و تبیین روش مقایسه ای، مبانی، کارکرد و نتایج پرداخته شده است. اصول و قواعد روشی آن، شیوه های اجرایی و آسیب شناسی روش مقایسه ای در مقالاتی دیگر ارائه خواهد شد.

تبیین روش تربیتی مقایسه ای و بررسی تمام جوانب آن را می توان کاری نو در مباحث تعلیم و تربیت به شمار آورد که دارای نتایج ارزشمندی در حوزه تعلیم و تربیت و تفسیر قرآن است که در بخش کارکردهای روش و نتایج به آن اشاره شده است.

سؤال اصلی پژوهش آن است که مقصود از روش تربیتی مقایسه ای در قرآن کریم چیست؟ و این روش دارای چه مبانی و کارکردهایی است؟ مقاله در سه بخش تنظیم شده که در بخش اول، به شرح و تبیین روش تربیتی مقایسه ای و در بخش دوم مبانی مهم آن و در بخش سوم کارکردها و نتایج مقایسه ذکر خواهد شد.

بخش اول: روش تربیتی مقایسه ای

روش در لغت به معنای «قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷)، و در اصطلاح «روش عبارتست از راه به کارگیری قواعد، شیوه ها و فنون آموزشی که

آموزگار (مربی) برای رسیدن به اهداف آموزشی خود، از آنها بهره می‌گیرد» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۸).

روش‌های تربیتی یکی از بخش‌های مهم نظام تربیتی اسلامی هستند که مربی با به‌کارگیری آنها مرتبی را از وضع موجود، به وضع مطلوب می‌رساند (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۷). تربیت در اصطلاح «عبارتست از هرگونه فعالیتی که معلم، والدین یا هر شخص دیگر به‌منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر، براساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲؛ داوودی، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

به‌دیگرسخن، می‌توان گفت که «تربیت عبارتست از تلاش مربی برای شکوفا کردن فطرت عقل و دلِ مرتبی، تا در اثر این شکوفایی مرتبی به اهداف و هدف‌نهایی تربیت برسد». مقصود از روش تربیتی «شیوه بروز عمل و یا فعالیتی است که به‌منظور تأثیرگذاری بر مرتبی، از مربی صادر می‌شود» (قانمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰-۱۲).

یکی از روش‌های تربیتی پرکاربرد در قرآن کریم، روش مقایسه‌ای است. مربی در این روش با بیان امور متضاد و ذکر نتایج، فکر و ذهن مرتبی را درگیر دو طرف تضاد کرده، و زمینه مقایسه و انتخاب یکی از دو ضد را برای او فراهم کند؛ به‌دیگرسخن، مربی با بیان تضاد و تشریح نتایج دو طرف، زمینه‌ای فراهم می‌کند، تا مرتبی به مقایسه دو طرف پرداخته و با اختیار خود یک طرف را انتخاب کند.

ذکر این نکته لازم است که گستره این روش افزون بر اضداد، ناقص و کامل، کامل و کامل‌تر، ناقص و ناقص‌تر را هم شامل می‌شود و موضوعاتی مانند درجات بهشت و درکات جهنم را با مقایسه می‌توان تبیین کرد؛ ولی آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده، فقط مقایسه اضداد است. روش تربیتی مقایسه‌ای بیان دو امر متضاد (متقابل) همراه با ذکر آثار و نتایج است تا مربی با مقایسه دو طرف موضوع - که یک طرف کمال و رشد و طرف دیگر نقص و غیّ است - زمینه سنجش مقایسه و انتخاب آگاهانه و آزادانه مرتبی را فراهم کند؛ به‌دیگرسخن، روش مقایسه‌ای در سه مرحله اجرا می‌شود: مرحله نخست، بیان دو امر متضاد، همراه با ذکر نتایج که در آیات قرآن فراوان مشاهده می‌شود؛ مرحله دوم، مرحله مقایسه تقابلات است که به‌وسیله مربی اجرایی می‌شود و مرحله سوم، سنجش مقایسه و انتخاب آگاهانه و آزادانه مرتبی است.

در رابطه با چگونگی اجرای این روش ابتدا به گستره تقابلات قرآنی اشاره و سپس یک موضوع قرآنی براساس این روش واکاوی می‌شود. در بُعد اعتقادی می‌توان از تقابل توحید و شرک (یوسف،

۳۹ و...، پیشوایان هدایت و ضلالت (قصص، ۴۱-۴۲؛ انبیاء، ۷۳)، دنیا و آخرت (حدید، ۲۰-۲۱) نام برد.

در بعد اخلاقی تقابل فضایل و رذایل اندیشه‌ای مانند حیوانیت و انسانیت (فرقان، ۴۴)، علم و جهل (زمر، ۸-۹)، ایمان و کفر (جاثیه، ۲۱)، تقابل فضایل و رذایل قلبی مانند یاد خدا و رویگردانی از یاد خدا (حشر، ۱۹)، خشیت از خدا و غیر او (آل عمران، ۱۷۵)، دوستی خدا و غیر او (توبه، ۲۴)، امیدواری به خدا و ناامیدی از او (زمر، ۵۳)، ضیق صدر و شرح صدر (انعام، ۱۲۵)، تقابل فضایل و رذایل گفتاری مانند کلام خبیث و طیب (مائده، ۱۰۰)، سخن زشت و نیکو (فصلت، ۳۳-۳۶)، نجوای الهی و شیطانی (نساء، ۱۱۴)، تقابل فضایل و رذایل رفتاری شامل کار برای خدا و غیر خدا (نحل، ۹۶)، اطاعت و عصیان خدا (نساء، ۱۴)، فجور و تقوا (شمس، ۸-۱۰)، حلال و حرام (بقره، ۲۷۵)، شکر نعمت و کفران نعمت (ابراهیم، ۷-۸)، انفاق و بخل (لیل، ۵-۱۰)، نیکی و بدی به پدر و مادر (احقاف، ۱۵-۱۷)، سوءظن و حسن ظن (حجرات، ۱۲؛ نور، ۱۲)، نرمخویی و درشتخویی (آل عمران، ۱۵۹)، رفتار حسنه و سیئه (انعام، ۱۶۰) را می‌توان از مهم‌ترین تقابلات دانست.

در بُعد اجتماعی، تقابل حق و باطل (بقره، ۲۵۷)، دوستان و دشمنان خدا (مجادله، ۲۲)، حزب الله و حزب الشیطان (مجادله، ۱۴-۲۲)، مسجد ضرار و قبا (توبه، ۱۰۷-۱۱۰)، حق و باطل (رعد، ۱۶-۱۷)، مصلح و مفسد (هود، ۸۴-۹۵)، پیمان‌شکنان و وفاداران به عهد و پیمان (احزاب، ۲۳؛ توبه، ۷۵-۷۷) از مهم‌ترین موارد آن است.

مراحل اجرای روش تربیتی مقایسه‌ای

همان‌طور که اشاره شد، روش مقایسه‌ای در سه مرحله اجرا می‌شود که به‌عنوان نمونه موضوع ایمان و کفر در قالب مراحل روش مقایسه‌ای بررسی می‌شود.

مرحله اول: (بیان دو موضوع متقابل)

اشاره به موضوع ایمان و کفر به صورت تقابلی از زوایای گوناگون مورد توجه قرآن بوده است. تقابل گفتار مؤمنان و کافران در مثال زدن خداوند به پشه که مؤمنان آن را حق می‌دانند و کافران می‌گویند خدا از این مثل چه اراده کرده است (بقره، ۲۶)؛ تقابل رفتار مؤمنان که در راه خدا می‌جنگند و کافران که در راه طاغوت می‌جنگند (نساء، ۷۶)؛ مؤمنان که به وسیله ملائکه یاری می‌شوند در مقابل کافران که دچار بیم و اضطرابند (انفال، ۱۲)؛ تقابل مؤمنان که به عدالت پاداش داده می‌شوند

و کافران که برایشان شراب حمیم و عذاب الیم است (یونس، ۴)؛ تقابل کافرانی که دارای عذاب شدید هستند و اهل ایمان که دارای مغفرت و پاداش بزرگ هستند (فاطر، ۷)؛ تقابل مؤمنان که به بهشت‌هایی وارد می‌شوند که از زیر آن نهرها جاری است و کافران که همچون حیوانات می‌خورند و لذت می‌برند و آتش جایگاه آنان است (محمد، ۱۲)؛ تقابل اهل ایمان که اجر و نورشان نزد خداوند است و کافران که اصحاب جحیم هستند؛ بخشی از تقابلات مطرح شده در قرآن درباره مؤمنان و کافران است.

کتاب تربیت در یکی از این موارد می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَئِكَ مَا وَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ * دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (یونس، ۷-۱۰). «همانا کسانی که امید دیدار ما را ندارند (به جهان آخرت ایمان ندارند) و به زندگی دنیا خوشنود شده و به آن دل بسته‌اند و کسانی که از آیات ما غافل‌اند؛ آنها جایگاهشان آتش است به کیفر آنچه (با دلشان از عقاید ناروا و با دستشان از گناهان) کسب کرده‌اند. به یقین کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل‌های شایسته کرده‌اند، آنها را پروردگارشان به سبب ایمانشان (به قرب خویش) هدایت می‌کند، (و در آخرت) در باغ‌های پر نعمت از زیر (درختان و قصر) آنها نهرها روان است. دعای آنها در آنجا این است که خداوند، تو منزّهی (بدان‌گونه که خود را تنزیه کرده‌ای)، و درودشان در آنجا (از سوی خدا و با فرشتگان و یکدیگر) سلام است، و پایان هر دعایشان اینکه حمد و سپاس از آن پروردگار جهانیان است».

مرحله دوم (مقایسه دو طرف موضوع)

در این مرحله از روش مقایسه‌ای، مربی با دقت در ویژگی‌ها، صفات، آثار و نتایج ایمان و کفر به تبیین آن می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی، ویژگی‌ها، آثار و نتایج کفر و ایمان را با یکدیگر مقایسه می‌کند و تحلیل جامعی از کفر و ایمان ارائه می‌دهد.

در این روش مربی نخست به آیات مشابه مراجعه می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۴۲۴-۴۶۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۹۷-۳۶۰) و با توجه به صفات ذکر شده برای اهل ایمان و کفر تعریف دقیقی از ایمان و کفر به روش مقایسه‌ای ارائه می‌دهد. در مرحله بعد، بیان نتایج ایمان و کفر برای آگاه کردن متربی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ مثل اینکه بگوید کافران به انکار قیامت برمی‌خیزند، در نتیجه این انکار به زندگی دنیا دل می‌بندند و به آن آرامش

می‌یابند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۴)، نتیجه اخروی آن هم جهنم است که در اثر اعمال خودشان پدید آمده است و مؤمنان که خداوند به سبب ایمانشان، آنان را هدایت می‌کند، و به سبب عمل صالحشان ایشان را از بهشت‌های پرنعمت برخوردار می‌کند. استفاده از این روش در گفتار معصومان (علیهم‌السلام) هم مشاهده می‌شود. شخصی از امام صادق (علیه‌السلام) از معنای هدایت و ضلالت می‌پرسد و امام با استناد به همین آیه شریفه می‌فرماید: «خداوند در روز قیامت ظالمان را از دار کرامتش گمراه می‌کند و اهل ایمان و عمل صالح را به بهشتش هدایت می‌کند» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶).

در رابطه با این مرحله که مهم‌ترین وظیفه مربی در این روش است، لازم است به دو نکته اشاره شود:

نخست اینکه، لزوماً تمام موارد مقابله در آیات کنار هم ذکر نشده که مربی باید با استخراج آیات موضوعی، متضاد موضوع را بیابد. به‌طور مثال، در موضوع پیشوایان هدایت و ضلالت، قرآن کریم از پیشوایان هدایت در آیات (انبیاء، ۷۳ و سجده، ۲۴) و در مقابل از پیشوایان ضلالت در قصص، ۴۱-۴۲ سخن می‌گوید یا اینکه مصادیق این پیشوایان را مانند ابراهیم (علیه‌السلام) و نمرود (بقره، ۲۵۸)، موسی (علیه‌السلام) و فرعون (اعراف، ۱۰۴؛ غافر، ۲۶ و...) را باید از آیات قرآن به روش موضوعی استخراج کند و در کنار هم بگذارد؛ دوم اینکه در بعضی آیات فقط به دو موضوع متضاد اشاره شده (روم، ۴۰) و کارکرد و نتایج آن در جاهای دیگر آمده است (نساء، ۴۸؛ حج، ۳۱؛ مانده، ۷۲).

بنابراین، مربیانی می‌توانند از این روش قرآنی بهره ببرند که آشنا با معارف قرآن، علوم قرآنی، تفاسیر و به‌ویژه روش تفسیر موضوعی و توانا برای تبیین دو موضوع تقابل باشند. البته، سطح مقایسه‌های قرآنی متفاوت است؛ به‌طوری‌که در لایه‌های اولیه طوری طراحی شده که عموم مردم توان درک آن را دارند؛ به‌طور مثال وقتی قرآن کریم از تقابل کور و بینا، ظلمات و نور، مردگان و زندگان (فاطر، ۱۹-۲۲) سخن می‌گوید، همه می‌فهمند که این دو ضد هم هستند؛ ولی وقتی انسان مشرک را به کور و انسان موحد را به بینا تشبیه می‌کند (رعد، ۱۶)، نیازمند تبیین دقیق‌تری است که تخصص و مهارت بیشتری می‌طلبد.

مرحله سوم: (سنجش مقایسه و انتخاب آگاهانه و آزادانه)

پس از تبیین موضوع و بیان آثار و نتایج که به‌وسیله مربی صورت می‌گیرد، زمینه برای مربی فراهم می‌شود که با توجه به تبیین دقیق موضوع و قدرت تعقل و اندیشه‌ای که خداوند درون او نهاده است، به سنجش دو طرف مقایسه، سپس انتخاب آزادانه و آگاهانه اقدام کند؛ انتخابی که به دلیل

تضادّ دو طرف آن (نور و ظلمات، حق و باطل، ایمان و کفر، توحید و شرک) با وجود دو شرط کار سخت و دشواری نیست، و هر انسان عاقلی می‌تواند جنبه رشد و صعود آن را از جنبه غیّ و سقوط تشخیص دهد. نخست اینکه، مربی به خوبی از عهده تبیین دو موضوع تقابل برآمده باشد؛ دوم اینکه، مربی با گناه و معصیت، زمینه شکوفایی فطرت الهی خود را از بین نبرد (بقره، ۷؛ نحل، ۱۰۸؛ مطفنین، ۱۴، و...؛ بلکه دارای بصیرت (آل عمران، ۱۳)، صبر و شکر (ابراهیم، ۵)، فراست و زیرکی (حجر، ۷۵)، ایمان (حجر، ۷۷)، و دانش (نمل، ۵۲) باشد.

بخش دوم: مبانی روش تربیتی مقایسه‌ای

پس از تبیین روش تربیتی مقایسه‌ای باید مهم‌ترین مبانی خاص آن واکاوی شود. گرچه پژوهشگران تعلیم و تربیت، از مبانی و روش‌های تربیت به‌طور مستقل بحث می‌کنند، ولی از مبانی هر روش به‌صورت ویژه هم می‌توان بحث کرد که بسا معانی جدید و متفاوتی را بتوان به دست آورد. نگارنده با هدف دستیابی به معانی جدید، اقدام به کشف مبانی روش تربیتی مقایسه‌ای نموده که می‌توان آن را مبانی خاص این روش نامید.

مفهوم مبانی روش تربیتی مقایسه‌ای

مبانی جمع مبنا به‌معنای اساس و بنیان چیزی است (دهخدا، ۱۳۷۷) و اندیشمندان تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به موضوع، تعریف خود را از مبانی بیان کرده و اموری را اساس و مبناى کار خودشان قرار داده‌اند (شکوهی، ۱۳۷۸، ص ۶۱؛ باقری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۷؛ مصباح یزدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

در این پژوهش مبانی تربیت مقایسه‌ای در قرآن کریم، اولاً در ارتباط با خدا، هستی، امکان شناخت آن، و انسان مطرح می‌شود؛ ثانیاً از مقوله هست‌ها و نیست‌هاست؛ ثالثاً بر متن قرآن و تبیین معصومان که مفسران حقیقی قرآن هستند، تکیه دارد؛ رابعاً از این مبانی برای کشف «اصول و قواعد روشی تربیت مقایسه‌ای» استفاده خواهد شد. بنابراین، «مبانی روش تربیتی مقایسه‌ای، گزاره‌های خبری در ارتباط با خدا، هستی و انسان هستند که بر متن قرآن و تفسیر معصومان تکیه دارند، و مربی با توجه به مبانی، به کشف قواعد روشی آن اقدام و به مربی کمک می‌کند تا با روش مقایسه‌ای به اهداف تربیت و هدف نهایی آن برسد».

۱. وجود تضاد در مجموعه جهان هستی

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبنای هستی‌شناسی روش تربیت مقایسه‌ای که سایر مبانی هم به آن برمی‌گردد، این است که نگاهی به درون و بیرون مجموعه جهان هستی نشان می‌دهد عالم خلقت در عین اینکه پر از تضاد است، همه این تضاد با حکمت الهی و نظم خاصی کنار هم چیده شده است که در دو بخش وجود ضدیت برای اشیاء و وجود ضدیت درون اشیاء تحلیل می‌شود.

الف) وجود ضدیت برای اشیاء

قرآن کریم در جهان‌شناسی خود بسیاری از امور متضاد چه در امور حسی (لیل، ۱-۲؛ حج، ۵؛ اعراف، ۵۸، ...) و چه در امور معنوی (بقره، ۲۵۷؛ یوسف، ۳۹؛ محمد، ۱۲ و ...) را در مقابل یکدیگر ذکر کرده است. در واقع، انسان از باب «تعرف الاشیاء باضدادها» بهتر می‌تواند امور متضاد را درک کند؛ به‌طور مثال اگر تاریکی نبود، انسان درک نمی‌کرد که روشنایی چیست، اگر انسان‌های بد نبودند، انسان‌های خوب شناخته نمی‌شدند. پس وجود تضاد در عالم هستی نشان دهنده حکمت پروردگار و در جهت رشد و کمال موجود مختار است.

به‌دیگرسخن، «تضاد، منشأ خیرات و قائمه جهان است و نظام عالم بر آن استوار است و به تعبیر صدرالمتألهین اگر تضاد نبود، ادامه فیض از خداوند بخشنده صورت نمی‌گرفت (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۹۳).

ب) وجود ضدیت درون اشیاء

تضاد، افزون‌بر عالم هستی، درون اشیاء را هم فراگرفته است. مدعا این است که طرح نظام زوجیت از جانب قرآن، نشان‌دهنده وجود تضاد و تقابل در سراسر ذرات عالم است.

بشر عصر نزول قرآن به‌طور طبیعی از نظام زوجیت در انسان و حیوان آگاهی داشت و حتی زوجیت بعضی از انواع گیاهان را می‌دانست؛ ولی قرآن از نظام زوجیت در تمام گیاهان سخن گفت: «... فَأَتَيْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (پس در آن از هر جفتی نفیس و پر ارزش از گیاهان رویاندیم) (لقمان، ۱۰). امروزه علم ثابت کرده که «تولید مثل با لقاح نباتات از طریق جفت شدن عناصر نر و عناصر ماده متعلق به تشکیلات مولدی که روی یک نبات گرد آمده یا جدا از هم‌اند، صورت می‌گیرد» (عباس‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۰۶).

شاید تا اینجا مطلب برای بشر عجیب نمی‌نمود، تا اینکه قرآن از سرّی عجیب در عالم هستی سخن گفت و زوجیت را در تمام ذرات عالم هستی سریان داد و فرمود: (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا

زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) «و از هر چیزی جفت هم آفریدیم، شاید متذکر شوید» (ذاریات، ۴۹). امام رضا علیه السلام از قرین داشتن و ضد داشتن اشیاء عالم هستی یگانگی خدا را اثبات کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷۳). درباره آیه شریفه بعضی مفسران زوجین را به تقابلات حسی مانند شب و روز تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۴۲)؛ ولی گروهی دیگر معتقدند که زوجیت و قرین و همتا داشتن در داخل یک شیء هم وجود دارد؛ یعنی «شیء واحد در حقیقت، شیء واحد نیست؛ بلکه دو شیء است که با یکدیگر جمع شده‌اند» (خطیب، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۳۱). مفسران از عبارت «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ» دریافته‌اند که حتی کوچک‌ترین ذرات عالم (اتم‌ها) دارای زوج هستند، که در علم تجربی از آن به بار الکتریسیته مثبت و منفی یاد می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۳۷۶).

این دیدگاه در تفسیر آیه وقتی تقویت می‌شود، که دریابیم علم تجربی بر زوجیت کوچک‌ترین ذرات عالم صحه گذاشته است. گرچه قرآن کریم این موضوع (زوجیت در ذرات عالم) را در عصر نزول بیان کرد، ولی دانشمندان غربی از راز این سخن پرده برداشته‌اند (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳۸۱).

نگارنده معتقد است برای اثبات تضاد در درون یک شیء واحد بهترین منبع خود قرآن است. شاید بتوان آیه شریفه (الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ نُوقِدُونَ) «همان کسی که برای شما از درخت سبز، «آتش زنه» آفرید، که اکنون شما از آن آتش می‌افروزید» (یس، ۸۰) را از بهترین مصادیق وجود دو نیروی متضاد درون یک شیء، در عالم طبیعت دانست.

«مقصود از "شجر" درخت مَرخ و درخت عَفار است که هرگاه به یکدیگر ساییده شوند، مشتعل می‌گردند و در قدیم مردم برای تهیه آتش قطعه‌ای از شاخه این درخت و قطعه‌ای دیگر از شاخه آن می‌گرفتند، و با اینکه سبز و تر بودند، "عفار" را در زیر و "مرخ" را روی آن قرار داده و به یکدیگر می‌ساییدند، و هر دو به اذن خدا آتش می‌گرفتند. پس مرده را زنده کردن، عجیب‌تر از مشتعل کردن آتش از چوب تر نیست، با اینکه آب و آتش دو چیز متضادند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۱۲).

بنابراین وحی، و علم تجربی بر این موضوع صحه می‌گذارند که درون یک شیء واحد عناصر متضاد وجود دارد و این عناصر قدرت خداوند را به انسان متذکر می‌شود، تا انسان دریابد که خداوند نه تنها تضاد را در دو شیء بلکه درون یک شیء واحد هم قرار داده است.

۲. خدا تنها حقیقت بدون ضد

همان‌طور که اشاره شد، مجموعه جهان هستی را تضاد فرا گرفته و از این مبنا، این نتیجه مهم به دست می‌آید که «خدا تنها حقیقت بدون ضد» است. امیر مؤمنان (علیه السلام) از وجود تضاد در اشیاء و بین آنها با یکدیگر وحدانیت خدا را نتیجه می‌گیرد «... و از آفریدن اشیاء متضاد پیداست که ضدی ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶) و امام رضا (علیه السلام) هم شبیه این را در اثبات خداشناسی بیان می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق، ص ۳۷).

در ادعیه هم خداوند وجودی معرفی شده که ضدی ندارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «ای کسی که یکتای بدون ضد است» (کفعمی، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۵۶). امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «تویی که برایت ضدی نیست تا با تو به ستیز برخیزد» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۶).

در حقیقت امام علی و امام رضا (علیه السلام) از ضد داشتن اشیاء برای اثبات یگانگی خداوند استفاده کرده‌اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام سجاد (علیه السلام) هم با نفی ضدیت به اثبات یگانگی خداوند پرداخته‌اند. مربی می‌تواند با تبیین تضاد موجود در عالم هستی و مقایسه آن با وجودی که از تضاد خالی است، وحدانیت خداوند را اثبات و به تربیت توحیدی متریان کمک کند.

با دریافت این مطلب که خدا تنها حقیقت بدون ضد است، می‌توان تفسیر دیگری از کلمه صمد هم ارائه کرد؛ به این معنا که صمدیت خداوند، تفسیر احدیت اوست؛ یعنی برخلاف سایر موجودات که درون و برونشان از تضاد پر شده، خدای احد صمد میان او و حقیقتش تفاوتی نیست، ادامه سوره مبارکه اخلاص هم تفسیر کلمه صمد است؛ زیرا نزاییدن و زاییده نشدن و نداشتن همتا، نشان از یگانگی خودش و دوگانگی سایر موجودات دارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۲، ص ۲۸۰).

روش تربیتی مقایسه‌ای با تبیین تضاد حکیمانه موجود در مجموعه هستی اثبات می‌کند که خدا تنها حقیقت بدون ضد است؛ یعنی «... تنها موجودی که زوج نیست و فرد است و همتا ندارد، ذات اقدس الهی است» (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۵، تفسیر سوره ذاریات، جلسه ۱۷) و با این روش راه دیگری را به متریان برای تربیت توحیدی نشان می‌دهد.

۳. ضدیت فرشتگان با شیاطین در تربیت انسان

ضدیت فرشتگان با شیاطین از دیگر مبانی هستی‌شناسی روش تربیتی مقایسه‌ای است. فرشتگان و شیاطین موجوداتی فرا مادی هستند که در تربیت الهی و شیطانی انسان، نقش ایفا می‌کنند. منظور از فرا مادی اموری هستند که «فرا تر از امور طبیعی‌اند و برای انسان ملموس و محسوس نیستند؛

ولی پیوسته در تعامل با انسانند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹). مقصود این پژوهش از موجودات فرامادی، دو گروه فرشتگان و شیاطین هستند که تأثیر متضادی در تربیت انسان دارند. فرشتگان دارای تأثیرات مثبت و شیاطین دارای تأثیر منفی در تربیت هستند. در این روش با مقایسه ملائکه الهی و شیاطین آشکار می‌شود که فرشتگان مطیع (انبیاء، ۲۷) و شیاطین عاصی (مریم، ۴۴)، فرشتگان امیددهنده و شیاطین نومیدکننده (حجر، ۵۵ و ۵۶)، فرشتگان امدادگر (آل عمران، ۱۲۴) و شیاطین رهاکننده انسان (حشر، ۱۶)، و فرشتگان دعوت‌کننده به نیکی‌ها (فصلت، ۳۰) و شیاطین دعوت‌کننده به بدی‌ها (نور، ۲۰) هستند.

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لِقَلْبِهِ أُذُنَانِ فِي جَوْفِهِ أُذُنٌ يَنْتَفُتُ فِيهَا الْوَسْوَاسُ الْخَنَّاسُ وَ أُذُنٌ يَنْتَفُتُ فِيهَا الْمَلَكُ فَيُؤَيِّدُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِالْمَلَكِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ آيَدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۷)؛ قلب هر مؤمنی که در سینه او قرار دارد، دو گوش دارد: گوش‌ای که فرشته در آن زمزمه می‌کند و گوش‌ای که وسواس خناس در آن می‌خواند؛ پس خداوند متعال او را با فرشته تأیید می‌کند، و آن سخن خداوند متعال است که فرمود: با روحی از جانب خودش آنان را تقویت و تأیید کرد.

این روایت به‌خوبی در تبیین موضوع موجودات فراطبیعی کمک‌رسان است؛ زیرا نشان می‌دهد در درون انسان عواملی به نحو اقتضا درصدد هستند، کمک‌کننده جریان تربیت و یا اخلاص‌گر در تربیت باشند، «به این معنا که چون انسان اراده خیر کند، فرشتگان در آن امتداد او را یاری می‌کنند، و چون انسان اراده شر کند، شیاطین در آن امتداد یاری‌اش می‌کنند، ولی هیچ‌یک بر انسان مسلط نیستند و تا انسان خود راه نفوذ آنان را باز نکند، آنان نمی‌توانند انسان را به‌سوی خیر و شر ببرند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹).

مربی در روش تربیتی مقایسه‌ای با توجه به این مبنا، نیروهای فراطبیعی متضاد را با عملکردشان به متریبان معرفی کند، تا متریبان با مقایسه، تربیت ملکوتی یا تربیت شیطانی را انتخاب کنند.

۴. تضاد عقل و جهل در انسان

تضاد عقل و جهل در انسان را می‌توان از مبانی انسان‌شناسی روش تربیتی مقایسه‌ای به‌شمار آورد؛ یعنی «درون انسان دو نیرو وجود دارد که یکی براساس فطرت، او را به‌سوی فضیلت‌ها و صفات الهی فرامی‌خواند و دیگری بر پایه شهوت و غضب، او را به‌رذیلت‌های نفسانی و شیطانی دعوت می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۲۸۶) به‌دیگرسخن، سپاه عقل، انسان را به فضایل و

خداگونه شدن دعوت می‌کند، و در مقابل سپاه جهالت که بر پایه شهوت و غضب استوار است، انسان را به رذایل فرامی‌خواند. همین تقابل عقل و جهل به‌عنوان اساس و سرچشمه همه فضایل و رذایل زمینه تربیت الهی یا شیطانی را فراهم می‌کند.

آنچه در اینجا از عقل مورد نظر است، همان عقل و جهلی است که به روش تقابل می‌توان از قرآن کریم و روایات دریافت. بررسی مشتقات واژه عقل و استفاده از قرینه مقابله نشان می‌دهد که مصادیقی مانند عدم اعتقاد و باور به معاد (بقره، ۷۳)، تحریف عالمانه کلام الهی (بقره، ۷۵)، شرک و کفر (بقره، ۱۷۰)، نفاق (مائده، ۵۸)، دنیاپرستی (اعراف، ۱۶۹)، نزدیک شدن به فواحش آشکار و پنهان (انعام، ۱۵۱)، تکذیب پیامبر ﷺ (یونس، ۴۲)، مخالفت با دعوت انبیاء (یوسف، ۱۰۹)، عدم تفکر در پدیده‌های جهان هستی (رعد، ۴)، و... در تضاد با عقل هستند.

دقت در این تعابیر قرآنی نشان می‌دهد که همه بر محور هوای نفس است. بنابراین، می‌توان گفت جاهل کسی است که تابع هوای نفس است، و در مقابل، عاقل کسی است که از هوای نفس پیروی نمی‌کند. این معنای عقل و جهل، غیر از معنایی است که از علم و جهل فهمیده می‌شود؛ زیرا در این معنای تربیت دینی ممکن است شخصی عالم باشد؛ ولی عاقل نباشد، و ممکن است کسی عالم نباشد؛ ولی عاقل باشد.

در تأیید این معنا می‌توان از روایات هم کمک گرفت که جهل در مقابل عقل و نه در مقابل علم آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱-۲۳). دقت در جنود عقل و جهل که علمای اخلاق به شرح آن هم اقدام کرده‌اند (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۶، ص ۷۵-۴۲۹)، به تعریف دقیق عقل و جهل کمک می‌کند و نشان می‌دهد که حاکمیت عقل، تربیت الهی و حاکمیت جهل (شهوت، غضب، و...) تربیت شیطانی، توقف در عالم ملک و حتی سقوط و نزول به عالم حیوانات و پایین‌تر را به دنبال خواهد داشت.

۵. انسان، انتخابگر از میان اضداد

انتخابگری انسان از میان اضداد را هم می‌توان از مبانی انسان‌شناسی این روش دانست. خداوند حکیم جسم انسان را از عناصر متضاد آفرید (نهج البلاغه، خطبه ۱) و در نفس انسان نیز صفات متضادی قرار داد، که زمینه دو سیر ملکوتی یا ظلمانی را برای انسان فراهم می‌کند، و انسان با اراده خود می‌تواند رونده یکی از این دو سیر باشد؛ به‌دیگرسخن، «در درون آدمی هم آن اوج پروازگری و پر و بال ملکوتی وجود دارد، و هم این حیث ناپینایی و تاریکی، و خداوند متعال هر دو را به

انسان الهام نموده و برای گزینش صحیح آماده‌اش فرموده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۲۸۴).

نگاه به آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند متعال برای انتخاب آگاهانه در مسیر تربیت از الهام فجور و تقوا به نفس (شمس، ۸)، هدایت به دور راه خیر و شر (بلد، ۱۰) سخن می‌گوید، و از انسان می‌خواهد که انتخابگر یکی از دو راه رشد یا غی، کمال یا نقص و تربیت الهی یا شیطانی باشد (کهف، ۲۹).

بخش سوم: کارکردها و نتایج روش تربیتی مقایسه‌ای

وقتی از کارکرد سخن گفته می‌شود یعنی آن کار دارای چه آثار و نتایجی است. برای مثال، کارکرد چاقو بریدن است که هم می‌تواند مفید و هم مضر باشد. وقتی از کارکرد در حوزه تربیت سخن گفته می‌شود به این معناست که یک فعل تربیتی چه آثار و نتایجی دارد؛ به‌طورمثال، گفته می‌شود یکی از کارکردهای نماز آرامش‌بخشی به روح و روان انسان است.

ممکن است این پرسش به ذهن متبادر شود که چه تفاوت و رابطه‌ای بین کارکرد و هدف وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت «کارکردها نقش واسطه‌ای در دستیابی به اهداف دارند، یا اهداف جزئی، واسطی و نزدیک را دنبال می‌کنند. اهداف آن چیزهایی هستند که مد نظر مربی است، ولی کارکردها حاصل کاربری هستند و هرچه کار مربی دقیق‌تر و حساب‌شده‌تر باشد کارکردها به اهداف نزدیک‌تر و بلکه بر آنها منطبق خواهند بود. همچنین روش‌های تربیتی ممکن است کارکردهایی برای مربی و متربی داشته باشند» (همان، ج ۲، ص ۹۶).

موضوع کارکرد در تمام موضوعات مرتبط در تربیت اهمیت خاصی دارد؛ زیرا آگاهی از نتایج و پیامدهای یک کار سبب می‌شود متربی نسبت به انجام آن مشتاق و در مرحله بعد به آن اقدام کند (ر.ک: مصباح یزدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

در روش‌های تربیتی هم مربی هرچه نسبت به کارکرد و پیامد آن روش از آگاهی بیشتری برخوردار باشد، بهتر خواهد توانست آن را روش را اجرایی کند و متربی هم از تربیت بهتری برخوردار خواهد شد. روش تربیتی مقایسه‌ای به‌عنوان یک روش پرکاربرد در آیات قرآن کریم و برخوردار از ویژگی‌های خاص دارای کارکردهای با اهمیتی هم برای مربی و هم برای متربیان است.

یکم: کارکردهای روش مقایسه‌ای برای مربیان

روش تربیتی مقایسه‌ای راهی نو در آموزش عقاید، پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌ها و شبهات دینی و کمک به انسان‌شناسی فراروی مربیان تربیت دینی قرار می‌دهد که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شود:

۱. تبیین راهی نو در آموزش عقاید

آموزش عقاید یکی از مهم‌ترین بخش‌های تعلیم و تربیت اسلامی است؛ زیرا با فکر و اندیشه انسان سروکار دارد؛ فکر و اندیشه صحیح رفتار درست و صواب را به دنبال دارد. به این دلیل مربیان تعلیم و تربیت دینی پیوسته به دنبال راه و روش‌هایی بوده‌اند که به آنان در آموزش عقاید کمک کند. روش مقایسه‌ای با مقایسه رب واحد و ارباب متفرق (یوسف، ۳۹)، توحید و دوگانه‌پرستی (نحل، ۵۱)، توحید و تثلیث (مانده، ۷۲-۷۳)، توحید و چندگانگی (انبیاء، ۲۵)، توحید با ذکر صفات مختص خداوند و دیگران (یونس، ۳۱-۳۶، نحل، ۱۰-۲۲ و...)، مقایسه پیشوایان هدایت (سجده، ۲۴؛ انبیاء، ۷۳) با پیشوایان ضلالت (قصص، ۴۱-۴۲؛ نازعات، ۲۴ و...) مقایسه دنیا و آخرت (حدید، ۲۵، اسراء، ۱۸-۲۲ و...) راهی نو در آموزش اعتقادات به مربیان ارائه می‌دهد که یک نمونه از آن تبیین می‌شود.

مراجعه به آیات تقابلی در موضوع توحید و شرک نشان می‌دهد که بیشترین تأکید قرآن بیان مقابله صفات خداوند با صفات شرکاء است تا مربیان دریابند که ربوبیت تنها از آن خداوند است (یونس، ۳، ۶۶؛ رعد، ۱۶ و...). به‌طورمثال، قرآن کریم از صفات مختص خداوند سخن می‌گوید و در مقابل از مشرکان می‌پرسد آیا خدایان شما توانایی انجام چنین کارهایی را دارند؟ (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ) (روم، ۴۰)؛ «خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می‌میراند، سپس زنده می‌کند؛ آیا هیچ‌یک از همتایانی که برای خدا قرار داده‌اید چیزی از این کارها را می‌توانند انجام دهند؟! او منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند».

در این آیه کریمه خداوند صفات مختص خودش را ذکر و از مشرکان می‌پرسد که آیا آنچه را شریک خدا قرار می‌دهید دارای چنین صفاتی هستند. مربی دانا با مقایسه خداوند دارای این صفات با شریکانی که دارای هیچ‌کدام از این صفات نیستند، زمینه سنجش مقایسه و انتخاب معبود حقیقی را فراهم می‌آورد. این نگاه که خداوند رازقیت و خالقیت را به دیگران واگذار کرده حتی در جامعه اسلامی هم وجود داشت و مفوضه در این جهت گرفتار شرک بودند که امام رضا (علیه السلام) با

استناد به همین آیه شریفه می‌فرمایند که خداوند خالقیت و رازقیت را به هیچ‌کس واگذار نکرده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۵۰). بنابراین، یکی از مهم‌ترین کارکردها و نتایج این روش تربیتی دستیابی به راهی نو در آموزش عقاید به متریان است که مربی این کار را با مقایسه دو طرف موضوع و تبیین آثار و نتایج عملیاتی می‌کند.

۲. پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌ها و شبهات دینی

از دیگر کارکردهای روش مقایسه‌ای برای مرییان این است که می‌تواند به برخی از پرسش‌ها و شبهات دینی پاسخ دهد. در مقایسه بین ادیان الهی و غیرالهی با دین اسلام می‌توان عقاید، اخلاق و احکام آنها را در مقابل عقاید، اخلاق و احکام دین اسلام گذاشت. در این راستا می‌توان از آیاتی که به عقاید شرک‌آلود و کفرآمیز ادیان تحریف یافته در قرآن کریم اشاره شده استفاده و در مقابل عقاید، اخلاق و احکام ناب اسلام را برای متریان بیان کرد (آل عمران، ۵۹؛ مائده، ۶۴، ۷۲، ۷۳؛ انعام، ۷۴، ۱۰۰، ۱۳۶؛ توبه، ۳۰).

به‌طورمثال، اگر مربی این پرسش را مطرح کند که اسلام به زن به‌عنوان یک کالا نگاه می‌کند، می‌توان به مقایسه دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) با دیدگاه غرب پرداخت و زمینه مقایسه درست را برای او فراهم کرد (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ص ۲۳-۳۶۷).

به نظر می‌رسد اینکه امروزه استکبار جهانی با تبلیغات دروغین سعی دارد تا آموزه‌های اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به گوش جهانیان نرسد، ترس از همین موضوع است که مردم جهان در مقایسه بین عقاید و اخلاق به اسلام و ارزش‌های آن گرایش پیدا خواهند کرد.

از همین شیوه می‌توان برای اثبات حقانیت شیعه اثناعشری، برای متریبانی استفاده کرد که گرایش به دیگر فرقه‌های اسلامی پیدا می‌کنند؛ یعنی با مقابل هم نهادن عقاید شیعه اثناعشری با دیگر فرقه‌ها، و تبیین ویژگی‌های هرکدام و نتایج پیروی از آنها، زمینه سنجش دو طرف موضوع و انتخاب آگاهانه و آزادانه او را فراهم کرد. به‌طورمثال، می‌توان توحید وهابیت و استنادات قرآنی آنان را در مقابل توحید شیعه دوازده امامی نهاد، می‌توان گفتار و عملکرد پیشوایان وهابیت را با پیشوایان مکتب شیعه مقایسه کرد که در این زمینه محققانی به بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن (نجارزادگان، ۱۳۹۱، کتاب اول، ص ۹-۲۵۴) و بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت پرداخته‌اند (همان، کتاب دوم، ص ۳-۲۱۶). مربی می‌تواند همین رویکرد را در پاسخ‌گویی به متریبانی دنبال کند که به دلایل مختلف به فرقه‌های دیگر تمایل پیدا کرده‌اند.

۳. کمک به انسان‌شناسی

از کارکردهای روش مقایسه‌ای می‌توان به این نکته اشاره کرد که این روش شناخت و تبیین دقیق‌تری از انسان را در اختیار مربی قرار می‌دهد. آشکار است که مربی هرچه نسبت به متریان خود آگاهی بیشتری داشته باشد، بهتر می‌تواند آنان را در مسیر تربیت الهی هدایت کند. وقتی مربی بداند که مجموع برون (نهج البلاغه، خ ۱) و درون انسان را نیروهای متضاد فراگرفته (شمس، ۸)، انسان در معرض دو تربیت الهی و شیطانی، دو رشد انسانی و حیوانی، دو راه ظلمانی و نورانی، صعود و سقوط و... است (شمس، ۹-۱۰) و از سوی دیگر دارای قدرت تفکر، اندیشه و آزاد در انتخاب یکی از اضداد است (بلد، ۱۰؛ انسان، ۳)، با این شناخت، از تحمیل عقاید و افکار به مربی خودداری خواهد کرد و فقط دو مسیر سعادت و شقاوت را پیش روی او خواهد گذاشت تا هرکدام را که بخواهد انتخاب کند (کهف، ۲۸-۳۱).

دوم: کارکردهای روش مقایسه‌ای برای متریان

روش تربیتی مقایسه‌ای کارکردها و پیامدهای ارزشمندی برای متریان هم دارد؛ از جمله به پرورش و تقویت اراده، قدرت تفکر و استدلال، قدرت گزینش و انتخاب، معرفت‌افزایی و ایجاد علاقه به فضایل و نفرت از رذایل کمک می‌کند که در ادامه هرکدام به اختصار تبیین می‌شود.

۱. پرورش و تقویت اراده، قدرت گزینش و انتخاب

یکی از نتایج و پیامدهای روش مقایسه‌ای را می‌توان پرورش و تقویت قدرت گزینش و انتخاب دانست؛ زیرا در روش مقایسه‌ای که گستره فراوانی از آیات قرآن را دربرمی‌گیرد (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۳۲-۳۴)، با توجه به ویژگی‌های خاص انسان که ملهم به فجور و تقوا (شمس، ۸) و انتخابگر است (کهف، ۲۹) زمینه‌ای فراهم می‌شود تا مربی با اراده خود، از میان دو جهت تضاد یکی را گزینش و انتخاب کند و از آنجایی که ارزش کارهای انسان به اختیاری بودن آن کار بستگی دارد، این روش به تقویت اراده و افزایش قدرت گزینش و انتخاب متریان کمک شایانی می‌کند، که چگونگی اجرای آن در تبیین روش تربیتی مقایسه‌ای ارائه شد.

۲. پرورش نیروی تفکر و قدرت استدلال

یکی دیگر از کارکردهای روش مقایسه‌ای وادار کردن مربی به تفکر و استدلال است. نگاهی به شیوه‌های اجرایی این روش به‌ویژه مقایسه‌های استفه‌های که کاربرد فراوانی دارد (اعراف،

۱۸۹-۱۹۱؛ یونس، ۳۱-۳۵؛ رعد، ۱۶؛ نحل، ۱۰-۱۷؛ نمل، ۵۹-۶۵؛ روم، ۴۰؛ زمر، ۴۳-۴۴؛ زخرف، ۹-۱۹ و...) نشان می‌دهد که این روش برای پرورش نیروی تفکر و اندیشه بسیار کارآمد است. تفکر و اندیشه صحیح، عمل درست و سنجیده، و اندیشه نادرست عمل جاهلانه و نسنجیده را به دنبال دارد، و روش مقایسه‌ای می‌تواند به شکوفایی فطرت متربی کمک شایانی بکند.

قرآن کریم برای تفکر و تعقل ارزش بسیاری قائل شده (بقره، ۲۶۶؛ انعام، ۵۰؛ اعراف، ۱۶۹ و...) و یکی از روش‌هایی که برای تقویت تعقل استفاده کرده، روش مقایسه‌ای است. این کتاب تربیت برای اثبات وجود خداوند در عالم هستی و یگانگی او آیات بسیاری را به روش مقایسه‌ای فراروی متربیان قرار داده تا از طریق مقایسه، نیروی فکر و اندیشه خود را تقویت کنند قدرت استدلال خود را افزایش دهند و به شناخت خدا دست یابند (انبیاء، ۲۲؛ نحل، ۵۱-۵۴؛ مائده، ۷۲-۷۳).

۳. معرفت‌افزایی متربی

کسب معرفت و شناخت آثار و نتایج هر کاری اعم از خوب و بد یا مفید و مضر سبب می‌شود که متربی نسبت به انجام آن کار مشتاق یا از انجام آن متنفر شود. یکی از کارکردها و نتایج ارزنده روش مقایسه‌ای این است که بر معرفت متربی برای انتخاب یکی از دو ضد می‌افزاید. از ویژگی‌های انسان عاقل این است که در سرانجام کارها و رفتار خود اندیشه می‌کند و در صورتی که عاقبت کار ارزشمند باشد، به آن مشتاق و درصدد انجام آن برمی‌آید. علت اینکه برخی از متربیان علاقه‌ای به تربیت ملکوتی نشان نمی‌دهند و در مقابل به تربیت جسمانی علاقمند هستند، آگاهی از آثار و نتایج تربیت جسمانی و ناآگاهی از نتایج تربیت روحانی است. اگر هر انسانی بفهمد که غذایی برای جسمش ضرر دارد، هرگز علاقه‌ای به استفاده از آن غذا نشان نمی‌دهد؛ در مقابل اگر دریابد که غذایی برای بدنش مفید است به آن علاقمند می‌شود و سعی می‌کند آن را تهیه کند. اگر متربی در غذاهای روحی-روانی خود همین مقدار دقت را داشته باشد، و برای مثال، بداند که هر گناه، تیری زهرآلود از تیرهای شیطان است که بر قلب او فرو می‌آید و به روح و روان او آسیب می‌رساند، از انجام گناه متنفر و سعی می‌کند از اقدام عملی دوری کند. بنابراین، علت بسیاری از گناهانی که به تربیت روحانی انسان آسیب می‌رساند این است که متربیان یا از آثار و نتایج آن خبر ندارند، و یا وجود موانعی سبب شده که به اهمیت سلامت روح و روان خود آگاه نباشند.

۴. ایجاد علاقه به فضایل و نفرت از رذایل

روش مقایسه‌ای با مقابل هم قرار دادن فضایل و رذایل اخلاقی، بیان آثار و نتایج مترتب بر هر کدام علاقه و گرایش به فضایل را تقویت و در مقابل متربی را از رذایل متنفر می‌کند که یک نمونه تحلیل می‌شود.

قرآن کریم در سوره‌ای که آیات آغازینش تقابل توحید و شرک است، در صدد اثبات توحید و نفی شرک برآمده است (زمر، ۱-۸) و در ادامه از تقابل عذاب‌های اخروی گروه مشرک و نعمت‌های بهشتی گروه موحد سخن می‌گوید (زمر، ۱۵-۲۰).

پس از ذکر این تقابل به شیوه مقایسه‌ استفهامی می‌فرماید: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر، ۲۲)؛ «پس آیا کسی که خداوند سینه او را برای (پذیرش) اسلام گشاده است، پس او (در زندگی خود) بر پایه نوری از پروردگار خویش است (دینی که راه‌های اعتقاد و عمل را روشن می‌کند؛ مانند انسانی تاریک‌دل است)؟ پس وای به حال کسانی که دل‌هایشان در اثر غفلت از یاد خدا سخت شده، آنها در گمراهی آشکاری هستند».

آیه شریفه می‌پرسد آیا کسی که خداوند به او شرح صدر عطا فرموده و با کمک نور الهی در مسیر تربیت است، مانند کسی است که قسّ القلب است؟ و محذوفی دارد که جمله بعد بر آن دلالت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۷۲)، به‌دیگر سخن، در قالب استفهام می‌خواهد متربیان، خودشان به مقایسه دو گروه پردازند، و به یکی از این دو گروه بپیوندند، یک طرف نورانیت و طرف دیگر ضلالت؛ یک طرف شرح صدر و طرف دیگر قساوت قلب؛ یک طرف هدایت و طرف دیگر گمراهی آشکار؛ کدام عقل فطری و کدام انسان عاقل می‌پذیرد که طرف اول را رها کند و طرف دوم را برگزیند که سراسر تاریکی، ظلمات، قساوت، گمراهی و در نتیجه عدم تربیت و رشد است؟

رسول گرامی اسلام ﷺ در تفسیر این آیه کریمه فرمودند: «نور (الهی) هنگامی که به قلب وارد شود، باعث انشراح آن می‌شود. گفتند ای رسول خدا ﷺ! علامتی دارد که به وسیله آن شناخته شود: فرمود: گذشتن از دنیا، روی آوردن به آخرت و آمادگی برای مرگ قبل از آنکه مرگ انسان برسد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۸۵). در مقابل، مهم‌ترین عاملی که باعث قساوت قلب می‌شود، گناهان پی‌درپی است که در روایت نورانی حضرت امیر (علیه السلام) به آن اشاره شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۵).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم با هدف تربیت انسان، از روش‌های تربیتی بسیاری استفاده کرده که روش تربیتی مقایسه‌ای به دلیل ویژگی‌های آن گستره بسیاری از آیات آن را دربرگرفته است.

با تبیین تمام زوایای یک روش تربیتی شامل کشف مبانی خاص آنها، استخراج اصول و قواعد روشی، بیان شرایط تأثیرگذاری، شیوه‌ها و تکنیک‌های اجرایی، تبیین کارکردها و آسیب‌شناسی می‌توان با افزودن به غنای مباحث تربیتی به مریبان جهت تربیت الهی متریان کمک شایانی کرد.

در روش تربیتی مقایسه‌ای، مربی با استفاده از آیات تقابلی که یک‌سوی آن تربیت الهی و سوی دیگر آن تربیت شیطانی است، با تبیین صفات و نتایج مترتب بر دو طرف موضوع و مراجعه به سایر آیات مشابه به تحلیل دقیقی از دو طرف موضوع می‌پردازد و زمینه را برای انتخاب آزادانه و آگاهانه مربی فراهم می‌کند. البته انتخاب تربیت الهی از سوی مربی در صورتی است که با گناه و معصیت، فطرت الهی خود را آن قدر آلوده نکرده که راه بازگشتی برای آن وجود نداشته باشد و به تعبیر قرآن کریم بر قلبش مهر نخورده باشد.

روش تربیتی مقایسه‌ای با استخراج مبانی خاص آن، تبیین قواعد روشی، تکنیک‌ها و شیوه‌های اجرایی، نتایج ارزشمندی برای مریبان مانند تبیین راهی نو در آموزش عقاید، پاسخ‌گویی به برخی شبهات و سؤالات دینی، و کمک به انسان‌شناسی متریان و پیامدهای گرانمایی برای متریان مانند پرورش و تقویت اراده، قدرت‌گزینش و انتخاب، پرورش نیروی تفکر و قدرت استدلال، معرفت‌افزایی، ایجاد علاقه به فضایل و نفرت از رذایل به دنبال دارد. همچنین، با استفاده از این روش می‌توان گونه‌ای جدید از تفسیر با عنوان «تفسیر تربیتی مقایسه‌ای» ارائه کرد که نیازمند پژوهشی دیگر است.

منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱)، ترجمه علی مشکینی، قم: الهادی.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
- * صحیفه سجاده (۱۳۷۸)، ترجمه و شرح سیدعلی نقی فیض الاسلام، تهران: فقیه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، التوحید (للصدوق)، تصحیح هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ۱۵ ج، تصحیح میردامادی، بیروت: دارالفکر.
۳. اسماعیل زاده، محمد و دیگران (۱۳۹۶)، نظریه روش تربیتی مقایسه‌ای (مبانی، اهداف، اصول، شیوه‌ها)، پایان‌نامه دکتری، محمود ابوترابی، تفسیر تطبیقی، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۲ ج، چاپ دوم، تهران: مدرسه.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ ج، محقق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.
۶. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۶)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ۲ ج، چاپ هشتم، تهران: سمت.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر تسنیم، ۴۰ ج، چاپ اول، قم: اسراء.
۸. _____ (۱۳۸۶)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (توحید در قرآن)، ج ۲، چاپ سوم، قم: اسراء.
۹. _____ (۱۳۸۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (فطرت در قرآن)، ج ۱۲، چاپ پنجم، قم: اسراء.
۱۰. _____ (۱۳۸۸)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (صورت و سیرت انسان در قرآن)، ج ۱۴، چاپ ششم، قم: اسراء.
۱۱. _____ (۱۳۸۳)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، ج ۱۶، چاپ اول، قم: اسراء.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، ۳۰ ج، چاپ سوم، قم: آل‌البیت.
۱۳. حسینی‌زاده، سیدعلی و شهاب‌الدین مشایخی (۱۳۹۳)، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۲، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۱۴. حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۱)، سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت: تربیت فرزند، ج ۱، چاپ یازدهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۱۵. _____ (۱۳۹۰)، سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت: نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، ج ۴، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۱۶. خطیب، عبدالکریم (بی‌تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۱۶، چاپ اول، بیروت: دارالفکر العربی.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ یازدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. داودی، محمد (۱۳۸۹)، سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، چاپ پنجم، تهران: دریا.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، چاپ اول از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۲۲. سبجانی، جعفر (۱۳۹۰)، منشور جاوید، ج ۱۴، چاپ پنجم، قم: امام صادق علیه‌السلام.
۲۳. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۸)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ هفتم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲۰، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
۲۶. عباس‌نژاد، محسن و همکاران (۱۳۸۴)، راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (۱) قرآن و علوم طبیعی، چاپ اول، مشهد: پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

۲۷. عباسی مقدم، مصطفی و فاطمه وصحفی (۱۳۹۱)، شیوه مقایسه در قرآن و کارکرد تربیتی تبلیغی آن، قرآن و علوم بشری، ش ۱، ص ۸۹-۱۲۳.
۲۸. عروسی حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، ۵ج، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیرالصادق، ۵ج، محقق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: الصدر.
۳۰. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱)، روش های تربیتی در قرآن (ج ۱)، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۳۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، ۱۰ج، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۲. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵)، المصباح للکفعمی، قم: دارالرضی.
۳۳. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط-الاسلامیه)، ۸ج، به کوشش علی اکبر غفاری، و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. محمد قاسمی، حمید (۱۳۹۰)، رویارویی صحنه‌ها در قرآن، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۳۵. مصباح یزدی و دیگران (۱۳۹۱)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران: مدرسه.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)، معارف قرآن، ج ۱-۳، چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (۱)، چاپ دهم، تهران: صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ۲۷ج، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. _____ (۱۳۸۴)، پیام قرآن (طرق معرفه‌الله)، ج ۳، چاپ هفتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن، کتاب اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۱. _____ (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت علیهم السلام در دیدگاه فریقین، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۳)، فرهنگ قرآن، ۳۳ج، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.